جغرافیا و مخاطرات محیطی، شماره‌چهارم، زمستان ۱۳۹۱

صص ۵۰-۳۷

ارزیابی اثرات الگوهای راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی بر کیفیت زندگی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای جابه‌جا شده شرق استان گلستان) (1)

امین محمدی استادکلایه[1]- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید حسن مطیعی لنگرودی- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمدرضا رضوانی- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مجتبی قدیری معصوم- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ تاریخ تصویب:۱۳۹۲/۲/۲۲

چکیده

بارش باران‌های شدید در مرداد ۱۳۸٤ در شرق استان گلستان منجر به وقوع دو سیل ویرانگر گردید که از خسارت‌بارترین سیل‌های رخ داده در کشور بودند. به منظور جلوگیری از تکرار مجدد رویداد سیل در مناطق سیل‌زده، اقدام به انتقال سه روستا به‌صورت محدود و همچنین جابه‌جایی توأم با تجمیع یازده روستا به منطقه پیشکمر گردید. هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی تأثیرات جابه‌جایی روستاهای آسیب‌دیده از سیل بر کیفیت زندگی ساکنین با استفاده از شاخص‌های ذهنی است. بدین منظور ۱۰ قلمرو کیفیت زندگی شامل اشتغال، درآمد و سرمایه، مشارکت اجتماعی، بهداشت، رفاه اجتماعی، آموزش، امنیت، مسکن، محیط طبیعی و اطلاعات و ارتباطات برای مطالعه انتخاب شد. جامعه آماری این تحقیق خانوارهای ساکن در شهر پیشکمر و سه روستای قولاق‌کسن، بق‌قجه بالا و بق‌قجه پایین در استان گلستان بود. برای تعیین تعداد پرسشنامه از فرمول کوکران استفاده شد و پرسشنامه‌های مورد استفاده (۲۷۹ نمونه) از سؤالات بسته با پاسخ‌هایی در طیف لیکرت پنج مقیاسی متناسب با قلمروهای عمده زندگی تشکیل شد. پس از تحلیل آماری اطلاعات پرسشنامه، نتایج نشان داد که میانگین رضایت از کیفیت زندگی در الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی تجمیع به ترتیب ۳/۳٦ و ۳/٦۷ است که بیشتر از میانگین نظری (۳) است. این امر نشان‌دهنده بهبود وضعیت این قلمرو نسبت به دوره قبل از اسکان مجدد در هر دو الگوی مورد مطالعه است. همچنین بررسی‌ها اختلاف معنی‌داری را در میزان رضایت از کیفیت زندگی بین الگوهای تجمیع و جابه‌جایی نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: کیفیت زندگی، اسکان مجدد، تجمیع روستاها، سیلاب، استان گلستان.

---

۱ نویسندهٔ مسئول: ۰۹۱۱۱٤۳۳۰۳۲ Email: aminmohammadi@ut.ac.ir

مقدمه

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی همچون زمان و مکـان و ارزش‌هـای فردی و اجتماعی قرار دارد و وضعیت آن به میزان توسعه‌یافتگی جوامع وابسته است (رضوانی و منصـوریان، ۲۰۱۳: ۱٤۸). برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان انـدازه‌ای بـرای میـزان جـذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی و مواردی از این دسـت تعبیـر کـرده‌انـد (اپلـی و منـون[۱]، ۲۰۰۸: ۲۸۱). در چند دهه اخیر، شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت زندگی از اهداف عمده افـراد، محققـان، برنامـه ریزان و دولت‌ها بوده است. این عرصه علمی و تحقیقاتی مورد توجه تعداد زیادی از رشته‌ها از جملـه روان‌شناسـی، پزشکی، اقتصاد، علوم محیطی، جامعه‌شناسی و جغرافیـا بـوده اسـت (رضـوانی و منصـوریان، ۱۳۸۷: ۲؛ قالیبـاف و همکاران، ۱۳۸۸: ۱٦۳).

مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که محققان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در خصوص نیاز بـه مطالعـهٔ کیفیـت زندگی در نواحی روستایی با یکدیگر توافق دارند. این مطالعات غالباً وظایفی کلیدی از قبیل آگاه کـردن شـهروندان، گروه‌های اجتماعی و سیاست‌گذاران از روندهای کیفیت زندگی را بر عهده دارنـد. نتـایج مطالعـات کیفیـت زنـدگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی کمک کنـد و درک و اولویت‌بندی مسایل اجتماع را برای برنامه‌ریزان و مدیران به منظور ارتقای کیفیت زندگی ساکنین این نـواحی تسهیل سازد (لی[۲]، ۲۰۰۸: ۱۲۰۷). علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علـل نارضایتی مردم، تأثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بـر کیفیـت زنـدگی و پـایش و ارزیـابی کـارآیی سیاسـت‌هـا و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی منجر شود (سانتوس و مارتین[۳]، ۲۰۰۷: ٤۱۳).

جهت اندازه‌گیری کیفیت زندگی از دو دسته شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی استفاده می‌شود (غفـاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۲۳). آنچه در اصطلاح شاخص‌های عینی کیفیت زندگی نامیده می‌شود، عموماً بر متغیرهای اجتمـاعی و اقتصادی متمرکز است، اما شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی بر اطلاعات به دست آمده از گـزارش‌هـای شخصـی افراد از تجارب زندگی خود تمرکز دارد و در واقع مکمـل شـاخص‌هـای اجتمـاعی و اقتصـادی بـه شـمار مـی‌رود (رضوانی و همکاران[٤]، ۲۰۱۲: ۲).

افزون بر مسئله تعریف و ابعاد «کیفیت زندگی»، بحث‌های زیـادی دربـاره قلمروهـای مـورد اسـتفاده در مطالعـه کیفیت زندگی وجود دارد. کامینز[٥] (۲۰۰۰)، در تعریف خود از کیفیت زندگی با در نظر گـرفتن هـر دو بعـد عینـی و

1 Epley & Menon
2 Lee
3 Santos and Martins
4 Rezvani et al
5 Cummins

ذهنی آن بیان می‌کند که از هفت قلمرو مهم شامل بهزیستی مادی، سلامت، بهره‌وری، تعلق، امنیت، اجتماع محلی و بهزیستی عاطفی می‌توان برای محاسبه شاخص ترکیبی کیفیت زندگی استفاده کرد. هاگرتی[1] و همکاران در سال ۲۰۰۱ اظهار داشتند که هفت قلمرو شامل روابط با خانواده، بهزیستی عاطفی، بهزیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس تعلق به اجتماع و امنیت فردی می‌توانند فضای کیفیت زندگی را به‌خوبی پوشش دهند.

عواملی از قبیل بروز سوانح و حوادث طبیعی، کاهش اشتغال و درآمد، فاصله زیاد و انزوای جغرافیایی، تغییر بافت و ساختار جمعیتی و ... اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی روستایی را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند (پاپانیکولائو و همکاران[2]، ۲۰۱۲: ١٦٤).

اسکان مجدد بازتابی از اجرای بهگزینی استقرار مجدد جمعیت روستایی به منظور بهبود فعالیت‌های تولیدی و نیز بهسازی استانداردهای زندگی است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ١٦٠). بررسی پدیده اسکان مجدد در کشورهای در حال توسعه نشانگر این است که پدیده مذکور عمدتاً به یک یا چند دلیل از قبیل رویارویی با حوادث طبیعی، اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و دلایل سیاسی-امنیتی انجام می‌شود (آقبا و همکاران[3]، ۲۰۱۰: ۵۱). معمولاً برای بازسازی روستاهای آسیب‌دیده و یا تخریب شده در اثر بروز بلایای طبیعی، الگوی درجاسازی، الگوی توسعه پیوسته، الگوی جابه‌جایی (انتقال) و الگوی تجمیع و ادغام در پیش گرفته می‌شود.

در بین شیوه‌های فوق، شیوه تجمیع و ادغام که دارای مزیت‌های صرفه‌جویی اقتصادی در ارایه امکانات و خدمات است، نظر دست‌اندرکاران عمران و توسعه روستایی را بیشتر به خود جلب کرده است (منتظریون، ۱۳۹۰: ۳۷). در جدول ۱ مزایا و معایب سیاست‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی نشان داده شده است.

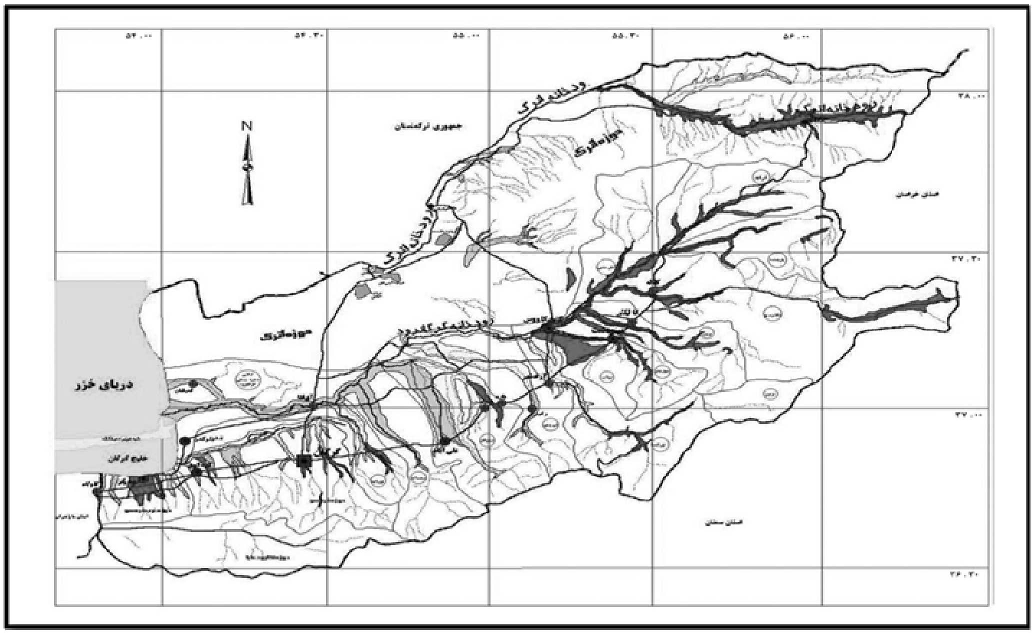
جدول ۱ مزایا و معایب تجمیع و جابه‌جایی (پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

تجمیع	مزایا	امکانات‌دهی بهتر، امکان برنامه‌ریزی با نظم و ترتیب در ساخت و ساز، تمرکز جمعیت، تحرک اقتصادی، بهبود شرایط فرهنگی، کاهش خطرات آتی
	معایب	دور افتادن برخی از روستاها از اراضی کشاورزی، از بین رفتن فعالیت‌های معیشتی، ناهمگونی اجتماعی
جابه‌جایی	مزایا	برنامه‌ریزی و طراحی بهتر، کاهش خطرات آتی، نظم و ترتیب در ساخت و ساز
	معایب	دور افتادن روستاها از اراضی کشاورزی

استان گلستان با جمعیتی بالغ بر ۱۷۷۷۰۱٤ نفر از جمله استان‌های حادثه‌خیز کشور است. سیلاب یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر رودخانه‌های استان است. بررسی‌های افتخاری و همکاران (۱۳۸۹: ۱۸۰) نشان می‌دهد که از

1 Hugerty
2 Papanikolaou et al
3 Agba et al

بین ۲۳٦ روستا در حوزه آبخیز گرگانرود در استان گلستان، تعداد ١٥٦ روستا در گروه روستاهای با خطر بالا، ٤٤ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل متوسط و ۳٦ روستا در گروه روستاهای با خطر سیل پایین قرار دارند. در شکل ۲ نقشه مناطق سیل‌خیز استان گلستان آمده است.



شکل ۱ نقشه مناطق سیل‌خیز استان گلستان (منبع: امور آب استان گلستان)

بارش باران‌های شدید در مرداد ١٣٨٤ در نواحی شرقی استان گلستان منجر به رخداد دو سیل ویرانگر گردید که از جمله خسارت‌بارترین سیل‌های رخ داده در کشور بودند (شریفی و همکاران[1]، ۲۰۱۲: ٥٣٣). به منظور جلوگیری از تکرار مجدد رویداد سیل در مناطق سیل‌زده، اقدام به انتقال سه روستا به صورت محدود به فواصل کمتر از دو کیلومتر از محل قدیم روستاها و همچنین جابه‌جایی توأم با تجمیع یازده روستا به منطقه پیشکمر گردید (منتظریون، ١٣٩٠: ١٤). تا کنون مطالعات متعددی در زمینه بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی اجرای طرح‌های اسکان مجدد صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات رحمتی (١٣٨٥)، اردشیری (١٣٨٨) و منتظریون (١٣٩٠) اشاره کرد. اما در خصوص اثرات الگوهای مختلف اسکان مجدد بر شاخص‌های کیفیت زندگی تحقیقات معدودی صورت گرفته است. پهلوان‌زاده و همکاران (١٣٩١) در ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی در استان گلستان به این نتیجه رسیدند که تجمیع روستا توانسته است کیفیت زندگی ساکنان شهر جدید پیشکمر را نسبتاً بهبود بخشد.

1 Sharifi et al

در مطالعه حاضر، کیفیت زندگی به‌عنوان برهم‌کنش میان منابع، امکانات و فرصت‌های فراهم شـده بـرای تـأمین نیازهای انسانی و همچنین دریافت، ارزیابی و رضایت افراد و گروه‌ها از بـرآورده شـدن نیازهایشـان در یـک مکـان خاص در نظر گرفته شده است. هدف از انجام این تحقیق، بررسی اثرات جابه‌جایی و تجمیع روستاهای آسیب‌دیـده از سیل مرداد ۱۳۸٤ استان گلستان بر کیفیت زندگی ساکنین محلی از طریـق مطالعـه شـاخص‌هـای ذهنـی اسـت و پرسش‌های تحقیق شامل موارد زیر است:

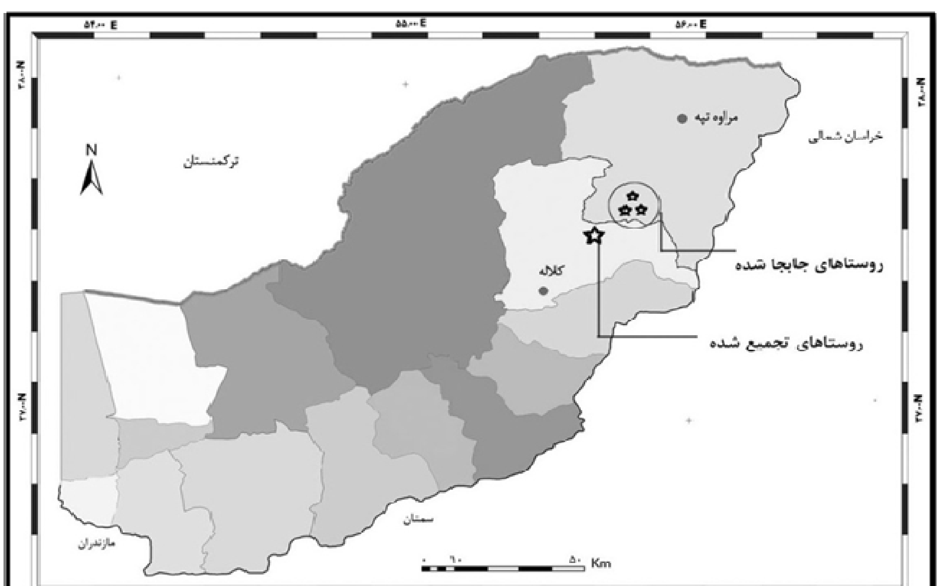
۱- آیا جابه‌جایی روستاها در بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی روستاییان نقش داشته است؟

۲- بیشترین و کمترین تغییر مثبت مربوط به کدام شاخص‌های کیفیت زندگی است؟

۳- آیا تفاوت معنی‌داری بین میزان رضایت‌مندی از شاخص‌هـای کیفیـت زنـدگی در الگوهـای اسـکان مجـدد (الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی جابه‌جایی توأم با تجمیع) وجود دارد؟

منطقه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه بین عرض‌های ۳۷ درجه و ٤۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه شمالی و طول‌های ۵۵ درجـه و ٥٤ دقیقه تا ۵۵ دقیقه و ۲۰ دقیقه شرقی واقع شده است. جامعه آماری این تحقیق خانوارهـای سـاکن در شـهر پیشـکمر (تجمیع ۱۱ روستای قزل‌اطاق، آق‌طوقه، چاتال، خوجه‌لر، کروک، پاشایی، قپان‌علیا، قپان‌سفلی، سیدلر، شیخلر و دوجـی) به میزان ۱۰٤۳ خانوار و خانوارهای ساکن سه روستای قولاق‌کسن، بق‌قجه بالا و بق‌قجه پایین به میزان ۳٤۹ خانوار واقع در شرق استان گلستان است. در شکل ۲ موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان گلستان نشان داده شده است.



شکل ۲ موقعیت قرارگیری روستاهای سیل‌زده مشمول طرح اسکان مجدد در استان گلستان

با توجه به تجربه‌های قبلی تجمیع و جابه‌جایی روستاها در کشور که پیامدهای نامطلوبی را به‌ویـژه بـه لحـاظ مسایل قومی و طایفه‌ای به وجود آورده بود، در طرح اسکان مجدد این ناحیه سعی شد به گونه‌ای عمل شـود کـه کمترین مسائل قومی و طایفه‌ای به وجود آید. بر این اساس، همه روستاهای جابه‌جا شده ترکمن‌نشین و اهالی آن همگی از طایفه گوگلان هستند و به لحاظ فرهنگ، عادات، سطح طبقاتی و کسب و کار، وضـعیت یکسـانی بـین دارند (پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹). در تمامی سایت‌های اسکان مجدد، تا حد امکان حریم‌های طایفـه‌ای و فامیلی بین ساکنان و همسایگی‌های قبل از سیل حفظ شده است. وسعت قطعات واگذار شده به افراد واجد شرایط تقریباً برابر و به اندازهٔ ۲۸۰ تا ۳۰۰ متر و واگذاری آن‌ها از طریق قرعه‌کشی بوده است.

مواد و روش‌ها

با توجه به فقدان روش‌شناسی واحد جهت تعیین تعداد قلمروهای زندگی، انتخـاب قلمروهـا و معـرف‌هـای مربوط به هر قلمرو بر اساس قضاوت‌های شخصی پژوهشگر، داده‌های در دسـترس، ویژگـی‌هـای ناحیـه مـورد مطالعه و اهداف تحقیق صورت می‌گیرد. در تحقیق حاضر ۱۰ قلمرو شامل اشتغال، درآمـد و سـرمایه، مشـارکت اجتماعی، بهداشت، رفاه اجتماعی، آموزش، امنیت، مسکن، محیط طبیعی و اطلاعـات و ارتباطـات بـرای مطالعـه کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه انتخاب شده است.

جهت تعیین معیارهای کیفیت زندگی از تکنیک دلفی استفاده شد. در گام نخسـت مجموعـه‌ای از نماگرهـای مرتبط با کیفیت زندگی (۵۱ نماگر) که از کاربرد بیشتری برخوردار بودند، بـر اسـاس مـرور نوشـتار و مطالعـات مربوط و تحلیل محتوای آن‌ها انتخاب شد و سپس با استفاده از روش پرسشـنامه‌ای، جهـت انتخـاب نماگرهـای مرتبط با موضوع مورد مطالعه در اختیار خبرگان و پژوهشگران قرار گرفت و نهایتـاً تعـداد ۳۷ نمـاگر انتخـاب و گزینش گردید. تعداد کل جامعه پرسش‌شونده در این بررسی ۳۰ نفر (مشتمل بر خبرگـان محلـی و پژوهشـگران گروه‌های جغرافیا، رشته‌های علوم اجتماعی، معماری، بازسازی سوانح و محیط زیست) بوده است.

برای تعیین تعداد پرسشنامه مورد نیاز (حجم نمونه) در تحقیق حاضر از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به فرمول کوکران، سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰/۰۵، تعداد ۲۷۹ خانوار برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. روایی پرسشنامه‌ها با نظر پانل متخصصان و صاحب‌نظران تأیید گردید. جهت تعیـین پایـایی پرسشـنامه بـا استفاده از ۳۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون انجام شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مجموع ابعاد، ۰/۸۰۸ به دست آمد.

توزیع پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در بین خانوارهای ساکن صورت گرفت. با توجه بـه ایـن کـه تکمیـل پرسشنامه به تنهایی ابزاری کافی برای گردآوری اطلاعات تشـخیص داده نشـد، عـلاوه بـر آن مشـاهده میـدانی، مصاحبه‌های عمیق موردی و گروهی با ساکنین و بررسـی اسـناد و مـدارک موجـود نیـز صـورت گرفـت. بـرای

پرسش‌نامه‌های مورد استفاده اساساً از سؤالات بسته با پاسخ‌های در طیف لیکرت پنج مقیاسی (خیلی بهتر شده (٥) تا خیلی بدتر شده (۱)) استفاده شد و سؤالات در محدوده ده قلمرو عمده زندگی تعریف شدند. در گام دیگر پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و رفع نواقص احتمالی، اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه‌ها استخراج شده و جهت رسیدن به اهداف تحقیق، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش اسکان مجدد در کیفیت و استانداردهای زندگی روستاییان، از آزمون T استفاده شده است.

بحث و نتایج

یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان (٤٦ درصد) بین ۲٤تا ٤۲ سال سن دارند و ۷۸ درصد مرد و ۲۲ درصد زن هستند. بیش از ٦۸ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم هستند که از این میان ۱۲ درصد بی‌سوادند. حدود ۳۲ درصد از پاسخگویان نیز تحصیلات دیپلم یا بالاتر از دیپلم دارند. ٤٦ درصد از پاسخ‌دهندگان شاغلند و شغل کشاورزی با ٦۷ درصد بیشترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده است. تنها ۳٥ درصدشان درآمد ماهانه‌ای بالاتر از ۳۰۰ هزار تومان دارند. بیش از ۸۲ درصد پاسخگویان مالک واحد مسکونی هستند. در محل جدید بیش از ۸۸ درصد از پاسخگویان به صورت دایم و ۲۲ درصد نیز به طور موقت زندگی می‌کنند. آمار توصیفی رضایت از قلمروهای مختلف کیفیت زندگی در سه روستای جابه‌جا شده (الگوی جابه‌جایی) و شهر جدید پیشکمر (الگوی تجمیع) در جداول ۲ و ۳ آمده است.

جدول ۲ آمار توصیفی رضایت از قلمروهای مختلف کیفیت زندگی در الگوی جابه‌جایی

سطوح رضایت	قلمروهای کیفیت زندگی (درصد)									
	محیط طبیعی	مسکن	آموزش	بهداشت	رفاه اجتماعی	مشارکت	اطلاعات و ارتباطات	امنیت	اشتغال	درآمد و سرمایه
خیلی بهتر شده	۱۳/٦	۲۹/۸	۱۰/۸	٥/۷	۱/۸	۱۷/٦	۱۰/۲	۱۰/٦	۱/۸	۱۱/۱
بهتر شده	۲۲/۷	٤۱/٦	۲۸/٤	۳۳	۱٥/۲	٤٦	۲٥/۸	٤۸/۱	۱۰/۷	۲۲
تغییری نکرده	۲۱/٦	۱٤/٥	۳٦/۹	٤۱/۷	٤۷	۲۰/٥	۳٥/۲	۱٥/۹	۲٤/۳	۲۱/٤
بدتر شده	۲۲/۲	۸/۲	۱۷/٦	۱۲/٥	۳۰	۱۱/٤	۱٤	۷/۲	۳۹/۸	۲٥
خیلی بدتر شده	۱۹/۳	٦/۱	٤/٥	٥/۷	٥/۲	٤/٥	۱٤/٤	۱۷	۲۰/۲	۱۹/۸

جدول ۳ آمار توصیفی رضایت از قلمروهای مختلف کیفیت زندگی در الگوی تجمیع

سطوح رضایت	قلمروهای کیفیت زندگی (درصد)									
	محیط طبیعی	مسکن	آموزش	بهداشت	رفاه اجتماعی	مشارکت	اطلاعات و ارتباطات	امنیت	اشتغال	درآمد و سرمایه
خیلی بهتر شده	۲۲/۶	۳۰/۶	۲۰/٤	۲۰/۹	۱۱/۸	۱۱/۵	۲۲/۲	۱۳/۳	۷/۲	۱۹/٤
بهتر شده	۳۷/۲	۳٤/۸	۲۷/۲	۳۵/۱	۳۰/۹	۲۶/۲	۳۷/۲	۲۷/۷	۱۵/۲	۲۲/۲
تغییری نکرده	۲۲	۱۹/۹	۲۳	۲۵/۵	۳۳/٤	۳۰/۶	۲۲	۲۳	۲۷/۹	۱۹/٤
بدتر شده	۱۳/۸	۷/۶	۱۸/۶	۱۲/۲	۱۵/٤	۱۹/۶	۱۳/۸	۱۹/۷	۳۱	۱۷/۶
خیلی بدتر شده	۳/۸	۶/۳	۸/۶	۵/٤	۷	۱۱/۳	۳/۸	۱۵/۲	۱۷/۳	۲۰/۳

یافته‌های تحلیلی

در زیر یافته‌های تحلیلی حاصل از بررسی قلمروهای ده‌گانه کیفیت زندگی ارایه می‌گردد.

اشتغال

در قلمرو اشتغال که از طریق شاخص‌های گسترش مشاغل خدماتی، ثبات شغلی، میزان اشتغال، میزان اشتغال زنان و تعداد شاغلین خانوار به کل جمعیت خانوار مورد ارزیابی قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری بین دو الگوی مورد مطالعه در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد مشاهده می‌شود. میانگین به دست آمده برای هر یک از الگوهای جابه‌جایی و تجمیع روستایی، به ترتیب ۲/۲۵ و ۲/۹۵ است که از میانگین نظری کمتر است، لذا می‌توان پذیرفت که فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم به طور معنی‌داری بیشتر است.

به‌طور کلی جابه‌جایی روستاها تأثیر مثبتی در افزایش اشتغال نداشته است، البته ایجاد مشاغل خدماتی در شهر پیشکمر تا حدودی به ایجاد اشتغال کمک نموده است. با توجه به نبود زمینه‌های اشتغال در محیط پیرامون و فقدان تخصص کافی، جوانان به ناچار به مشاغل کارگری در شهرهای بزرگ به‌خصوص تهران و سمنان روی آورده‌اند. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که اشتغال در مشاغل کارگری شهرهای بزرگ، از امنیت شغلی مناسبی برخوردار نبوده و فاصله زیاد از محل اسکان و محل اشتغال، مشکلات عدیده‌ای را برای خانواده‌های کارگران پدید آورده است.

درآمد و سرمایه

در بخش درآمد و سرمایه دو الگو در سطح اطمینان ۰/۰۵ دارای اختلاف معنی‌داری بودند. میانگین این قلمرو در الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی تجمیع به ترتیب ۲/۷٤ و ۲/۹۶ است که کمتر از میانگین نظری است.

روستائیان در هر دو منطقه مورد بررسی معتقد به افزایش میزان سرمایه‌های ساکنین (از قبیل ماشین و محصولات بادوام) پس از جابه‌جایی هستند اما این امر را با میزان بدهی به بانک‌ها و مؤسسات مالی مرتبط می‌دانند.

مشارکت اجتماعی

در قلمرو مشارکت اجتماعی که با کمک گویه‌های عضویت در نهادهای محلی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مختلف امور روستا مورد سنجش قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد بین الگوها مشاهده می‌شود. میانگین امتیاز مشارکت اجتماعی در دو الگوی جابه‌جایی و تجمیع، به ترتیب ۳/۲۸ و ۲/۸۹ است که بیانگر بهبود وضعیت مشارکت در سه روستای جابه‌جا شده است. مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته با اهالی نشان‌داد که ساکنین از مشارکت در جهت دریافت امتیازات از نهادهای دولتی بهره می‌برند.

بهداشت

بررسی‌ها بیانگر وجود اختلاف معنی‌دار در مؤلفه بهداشت بین دو الگوی مورد مطالعه است. وجود مرکز بهداشت در شهر پیشکمر، خدمات‌رسانی در شهر پیشکمر را بهبود داده، اما بررسی‌ها نشان‌دهنده کاهش میزان نفوذ بهورزان روستایی در سایت پیشکمر است. میانگین مؤلفه بهداشت در روستاهای جابه‌جا شده و پیشکمر به ترتیب ۳/٤٥ و ۳/٦٨ است که به‌طور معنی‌داری بیشتر از میانگین نظری است.

رفاه اجتماعی

میانگین قلمرو رفاه اجتماعی، که از کامپیوت کردن گویه‌های دسترسی به امکانات رفاهی، دسترسی به امکانات تفریحی، دسترسی به امکانات ورزشی (سالن‌های ورزشی)، کاهش احساس محرومیت و کاهش وابستگی به شهرهای دیگر برای تأمین خدمات تشکیل شده، در الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی تجمیع به ترتیب ۲/۹۳ و ۳/۳٤ است که بهبود وضیت رفاهی ساکنان هر دو الگو را نشان می‌دهد.

آموزش

میانگین قلمرو آموزش در دو الگوی جابه‌جایی محدود و تجمیع به ترتیب ۳/۵۲ و ٤/۰۲ است که به مراتب از میانگین ظاهری بیشتر بوده و بیانگر بهبود در شاخص‌های قلمرو آموزش بعد از اسکان مجدد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که امکانات آموزشی در شهر پیشکمر پس از تجمیع روستاها به صورت گسترده افزایش یافته است. وجود سه مدرسه ابتدایی، سه مدرسه راهنمایی و دو دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه امکان ادامه تحصیل دختران و پسران را تا پایان دوره دبیرستان فراهم نموده است. این در حالی است که نبود دبیرستان در روستاهای جابه‌جا شده مشکلات عدیده‌ای را در زمینه ادامه تحصیل دانش‌آموزان به‌خصوص دختران دانش‌آموز ایجاد کرده است. دو الگو در حدود اطمینان ۰/۰۵ درصد با یکدیگر اختلاف معنی‌دار دارند.

امنیت

مؤلفه امنیت در این تحقیق از ترکیب گویه‌های احساس از بین رفتن امنیت اجتماعی، افزایش میزان ناامنی و از بین رفتن حریم‌های شخصی مورد ارزیابی قرار گرفته است. میانگین قلمرو امنیت در الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی تجمیع به ترتیب ۳/٤٦ و ۳/۰۹ است. کوچک بودن جامعه روستایی، محیطی را ایجاد می‌کند که اولاً برخوردهای چهره به چهره و مراودات فامیلی بسیار گسترده‌ای در آن جریان دارد و ثانیاً نوعی نظارت کامل اجتماعی بر آن حکم‌فرماست که طی آن اعمال و رفتار تک تک اهالی تحت نظر ارزش‌های مرسوم در جامعه ارزیابی می‌شود. با تجمیع روستاها این اعمال نظارت کمرنگ شده و به مرور زمان از بین می‌رود. این در حالی است که رعایت حریم‌های طایفه‌ای و فامیلی بین ساکنان و همسایگی‌های قبل از سیل و عدم ادغام روستاها در محل جدید تا حدود زیادی مانع کم‌رنگ شدن نظارت همگانی در شهر جدید پیشکمر شده است.

مسکن

در قلمرو مسکن اختلاف معنی‌داری بین دو الگو مشاهده نشد. میانگین قلمرو مسکن در الگوی جابه‌جایی محدود ۳/۸۱ و در الگوی تجمیع ۳/۷۷ است. اهالی هر دو روستا به افزایش رعایت معیارهای فنی در ساخت مسکن معتقدند. در گویه تناسب مساکن جدید با نیازهای روستایی، به‌دلیل وجود مساحت پایین عرصه در خانه‌ها و لزوم رعایت الزامات بهداشتی، امکان نگهداری دام در مساکن جدید وجود ندارد. مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که مسکن جدید نسبت به مساکن قبلی روستاییان از جنبه‌های مختلف تغییر کرده و این مساکن جدید با ادامه فعالیت‌های قبلی روستاییان چندان سازگاری ندارد.

محیط طبیعی

بررسی شاخص‌های محیط طبیعی که از ترکیب گویه‌های افزایش ایمنی در برابر بلایای طبیعی، افزایش استفاده از مصالح سازگار با محیط طبیعی در ساخت مسکن، از بین رفتن چشم‌انداز طبیعی (تخریب چشم‌انداز طبیعی) و افزایش فشار بر منابع طبیعی به‌دست آمده است، بیانگر وجود اختلاف معنی‌دار بین دو الگو در حدود اطمینان ۰/۰۵ است. میانگین مشاهده‌ای قلمرو محیط طبیعی در دو الگوی جابه‌جایی محدود و تجمیع به ترتیب ۳/٤۹ و ۳/٦۳ است که بیشتر از میانگین نظری (۳) است. این امر نشان‌دهنده بهبود وضعیت این قلمرو نسبت به دوره قبل از اسکان مجدد است.

اطلاعات و ارتباطات

در قلمرو اطلاعات و ارتباطات، که از ترکیب شاخص‌های دسترسی به خدمات مخابراتی، وجود شبکه راه‌های ارتباطی مناسب و میزان ارتباط و مراجعه روستاییان به شهرها (تغییر ارتباط شهر و روستا) مورد ارزیابی قرار گرفته - است، اختلاف معنی‌داری بین دو الگو در حدود اطمینان ۰/۰۵ مشاهده شد. میانگین این مؤلفه در الگوی جابه‌جایی

۳/۵۰ و در الگوی تجمیع ۳/۸۷ است که بیشتر از میانگین نظری است. لذا می‌توان پذیرفت کـه فراوانـی گزینـه‌هـای خیلی زیاد و زیاد به‌طور معنی‌داری بیشتر است. در جدول ٤، آماره‌های مربوط به تحلیل داده‌ها آمده است.

جدول ٤ آماره‌های مربوط به تحلیل داده‌ها در قلمروهای ده‌گانه کیفیت زندگی

مؤلفه‌ها	منطقه مطالعاتی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t: آماره t	آزمون t: سطح معنی‌داری (درصد)
اشتغال	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۲/۲۵۵۷	۰/۵۸۹۰۹	−۸/۲۲۳	۰/۰۰۰
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۲/۹۴۷۶	۰/۷۷۴۰۴		
مشارکت اجتماعی	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۳/۲۸۴۱	۰/۶۴۶۸۱	۴/۲۱۴	۰/۰۰۰
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۲/۸۹۲۷	۰/۸۶۰۰۸		
درآمد	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۲/۷۳۹۸	۰/۴۶۰۲۱	−۳/۶۴۵	۰/۰۰۰
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۲/۹۶۴۵	۰/۴۸۶۶۱		
بهداشت	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۳/۴۴۷۰	۰/۶۱۴۰۹	−۲/۶۵۱	۰/۰۰۸
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۳/۶۸۹۴	۰/۷۴۹۵۱		
اطلاعات و ارتباطات	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۳/۵۰۳۸	۰/۷۲۵۳۷	−۳/۹۶۴	۰/۰۰۰
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۳/۸۶۷۴	۰/۷۰۵۷۷		
رفاه اجتماعی	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۲/۹۳۵۸	۰/۴۶۴۸۹	−۵/۵۵۹	۰/۰۰۰
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۳/۳۴۵۵	۰/۷۵۱۰۴		
محیط طبیعی	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۳/۴۸۸۶	۰/۵۱۶۸۳	−۲/۲۷۱	۰/۰۲۵
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۳/۶۲۷۸	۰/۳۷۱۵۷		
آموزش	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۳/۵۱۷۰	۰/۷۷۸۴۸	−۴/۷۶۱	۰/۰۰۰
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۴/۰۲۳۶	۰/۸۴۶۴۹		
امنیت	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۳/۴۶۰۲	۱/۰۰۶۶۸	۲/۹۲۴	۰/۰۰۴
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۳/۰۹۷۷	۰/۹۴۱۱۳		
مسکن	الگوی جابه‌جایی	۸۸	۳/۸۱۱۹	۰/۶۴۴۸۷	۰/۶۳۹	۰/۵۲۳
	الگوی تجمیع	۱۹۱	۳/۷۶۶۰	۰/۵۱۳۴۷		

رضایت از کیفیت زندگی بعد از جابه‌جایی روستاها

کیفیت زندگی منطقی، رضایت افراد را از زندگی پس از توجه به رضایت از قلمروهای مختلف زندگی منعکس می‌سازد. به عبارت دیگر، کیفیت زندگی منطقی بعد از این که پاسخگویان در مورد رضایتشان از قلمروهای مختلف

اظهار نظر کردند، برحسب پاسخ منطقی اندازه‌گیری شده است. برای این کار از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که با توجه به همهٔ قلمروهای ذکرشده در پرسش‌نامه، میزان رضایتشان را از کیفیت کلی زندگی بعد از جابه‌جایی روستاها بیان کنند و پاسخ این سؤال به عنوان کیفیت زندگی منطقی مورد توجه قرار گرفت. جدول ٤ میزان رضایت از کیفیت زندگی پاسخگویان را نشان می‌دهد، میانگین رضایت از کیفیت زندگی در الگوی جابه‌جایی محدود و الگوی تجمیع به ترتیب ٣/٣٦ و ٣/٦٧ است که بیشتر از میانگین نظری (٣) است، این امر نشان‌دهنده بهبود وضعیت این قلمرو نسبت به دوره قبل از اسکان مجدد در هر دو الگوی مورد مطالعه است. همچنین بررسی‌ها بیانگر وجود اختلاف معنی‌دار در میزان رضایت از کیفیت زندگی بین الگوهای تجمیع و جابه‌جایی در منطقه است (جدول ٥).

جدول ٥ میزان رضایت از کیفیت زندگی بعد از جابه‌جایی روستاها

مؤلفه‌ها	منطقه مطالعاتی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	
					آماره t	سطح معنی‌داری (درصد)
رضایت از کیفیت زندگی	الگوی جابه‌جایی	٨٨	٣/٣٦	١/١٤٧	٢/١٩٩-	٠/٠٢٩
	الگوی تجمیع	١٩٠	٣/٦٧	١/٠٦٨		

نتیجه‌گیری

در این مطالعه، اثرات راهبرد اسکان مجدد بر کیفیت زندگی ساکنان روستاهای جابه‌جا شده مورد بررسی قرار گرفت. مقایسه دو الگوی جابه‌جایی محدود و جابه‌جایی توأم با تجمیع روستاها در منطقه مورد مطالعه نشان داد که هر یک از الگوهای مورد مطالعه مزایا و معایبی دارند و هیچ کدام از الگوها نتوانسته‌اند در تمامی قلمروها در کیفیت زندگی جوامع مورد مطالعه بهبود چشمگیری ایجاد کنند. در شهر جدید پیشکمر (الگوی تجمیع) جز در قلمروهای اشتغال، مشارکت و درآمد و ثروت روند مثبتی در سایر قلمروهای کیفیت زندگی مشاهده شده است. نتایج بررسی‌ها در شهر پیشکمر نشان داد که تنها ١٥/٧ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگیشان بعد از تجمیع روستاها به شهر راضی بودند و کمتر از ٤٨ درصد افراد از کیفیت زندگی خود ابراز نارضایتی کردند. ارزیابی میزان رضایت از قلمروهای مورد استفاده در این مطالعه نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در شهر پیشکمر بیشترین میزان رضایت را از قلمرو آموزش (با ارزش میانگین ٤/٠٢) و کمترین میزان رضایت را از قلمرو مشارکت (با ارزش میانگین ٢/٨٩) داشته‌اند.

در سه روستای جابه‌جا شده (الگوی جابه‌جایی محدود) در سه قلمرو اشتغال، درآمد و ثروت و رفاه بهبودی در شاخص‌های کیفیت زندگی مشاهده نگردید. نتایج بررسی‌ها نشان داد که ٢٨/٥ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگیشان بعد از جابه‌جایی روستاها راضی بودند و تنها کمتر از ١٢/٥ درصد افراد از کیفیت زندگی خود ابراز نارضایتی کردند. ارزیابی رضایت از قلمروهای مورد استفاده در این مطالعه نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در سه

روستای جابه‌جا شده بیشترین میزان رضایت را از قلمرو مسکن (با ارزش میانگین ٣/٨١) و کمترین میزان رضایت را از قلمرو اشتغال (با ارزش میانگین ٢/٢٦) داشته‌اند.

سیاست‌های اسکان مجدد نباید تنها به معنای جبران مالی یا ارایه وسایل زندگی تلقی شود. بلکه باید همه زمینه‌ها و جنبه‌های زندگی (مالی، شغلی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و کالبدی و...) را در بر گیرد تا در طول فرآیند اجرای طرح موجب کاهش مشقت و سختی افراد شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به‌دلیل عدم توجه جدی به امور اشتغال‌زایی و محدودیت منابع آب و خاک از یک سو و نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی محدودی که در بخش خدمات دولتی ایجاد شده از سوی دیگر، اجتماعات جابه‌جا شده به بهره‌برداری مجدد از منابع موجود در مکان‌های قبلی روی آورده و همچنان به مهاجرت‌های فصلی به سایر مکان‌ها از جمله شهرهای بزرگ ادامه می‌دهند. افزایش فاصله بین مزارع و محل سکونت سبب شده است که زارعان وقت بیشتری جهت رفت و آمد بین مزارع و محل سکونت خود صرف کنند که این صرف وقت بیشتر در رسیدن به مزرعه به نوعی در افزایش هزینه‌های تولید نیز مؤثر است. لذا لازم است منابع معیشتی مناسب به عنوان جایگزین در نظر گرفته شود و به نزدیکی محل جدید و محصولات، ارتباط با مراکز اقتصادی و بازار کار و خدمات توجه لازم مبذول گردد و فضای زیستی با الگوهای زیستی متناسب و سازگار باشد.

قلمرو اشتغال با توجه به این که امتیاز پایین‌تری را در بین قلمروهای مورد بررسی کیفیت زندگی به خود اختصاص داده است، نیاز به بررسی و توجه بیشتری دارد. آموزش مشاغل مهارتی و فنی به روستاییان به‌ویژه جوانان، ایجاد تنوع شغلی و ایجاد بیمه‌های کم‌هزینهٔ شغلی مخصوص روستاییان برای افزایش ضریب امنیت شغلی از جمله پیشنهادهایی است که می‌توان جهت بهبود این قلمرو در منطقه مورد مطالعه ارایه داد.

یادداشت‌ها

١- مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان تبیین اثرات اسکان مجدد در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان) است که با راهنمایی دکتر سید حسن مطیعی لنگرودی در دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در حال انجام است.

Refrences

Ardeshiri. M., 2009. Formulation a pattern of resettlement plans in dams projects (with emphasis on environmental consideration). MSc Thesis in planning and management environment course, Tehran University.

Eftekhari, A. R., Sadeghloo, T., Ahmad Abadi, A., Sojasi Qidari, H., 2010. Zoning of rural regions in flood hazard with use of Hec-GeoRAS model in GIS sphere. Journal of rural development. Vol 1, No 1, successive No 36. Autumn and winter 2010.

Epley, D., Menon, M., 2008. A method of assembling cross-sectional indicators into a community quality of life, Soc Indic Res, No 88, Pp: 281-296.

Ghaffari, G. R., Omidi, R., 2009. Quality of life indicator of social development. Shrazeh publication. 235 pages.

Ghalibaf, M. B., Ramezanzadeh, M., Yari Shegefti, I., 2009. An assessment of Iranian rural residents satisfaction of the quality of life and its effects on the security of border areas, A case study of Nosoud district. Journal of Roosta va Towse’e. Vol 12, No 3, Atutmn 2009. Pp: 163-184.

Lee, Y. J., 2008. Subjective quality of life measurement in Taipei, Building and Environment. Vol 43, No 7.

Montazeriun, M., 2011. A study of the rural settlements relocation process in reconstraction planning after the 2005 flood in the east of Golestan province, Iran. MSc Thesis in Reconstraction after disaster, Shahid Beheshti University.

Nejat. S., 2008. Quality of life and its measurement. Journal of Epidimology. Vol 4, No 2, Pp: 57-62.

Pahlavanzadeh, H., Rezvani, M. R., Mohammadi, A., 2010. Assessment the quality of life in post disaster rural resettlement (case study: regrouping villages in Golestan province). Housing and environmenta, specialized guaterly magzine of housing foundation of islamic revolution. Vol. 29, summer 2

Papanikolaou, V., Adamis, D., Kyriopoulos, J., 2012. Long term quality of life after a wildfire disaster in a rural part of Greece. Open Journal of Psychiatry, 2012, 2, 164-170. http://www.SciRP.org/journal/ojpsych.

Rahmati, M. M., 2006. Socio-economical changes of integration of rurals after earthquake in Rudbar and Manjil regions. journal of social studies. Vol 1, No 2. Pp: 83-110.

Rezvani, M. R., Hossain Mansourian and Mohammad Hossain Sattari., 2012. Evaluating Quality of Life in Urban Areas (Case Study: Noorabad City, Iran). Social Indicators Research, DOI 10.1007/s11205-012-0048-2.

Rezvani, M. R., Mansourian, H., 2013. Developing small cities by promoting village to town and its effects on quality of life for the local residents. Social Indicators Research, Volume 110, Issue 1, pp 147-170.

Rezvani, M. R., Mansourian, H., Ahmadi, F., 2010. Promoting villages to city and its role on improvment of quality of life of local resident (case study: Firozabad and Saheb cities in Lorestan and Kordestan provinces). Journal of rural research. Vol 1, No 1, pp: 33-65.

Rezvani, M. R., Shakiba, M. R., Mansourian, H., 2009. Investigation of quality of life in rural areas. Journal of social welfare, No 30, 31.

Santos, L. D and Martins, I., 2007. Monitoring Urban Quality of Life: The Porto Experience. Social Indicators Research, Volume 80, Issue 2, pp 411-425.

Sharifi, F., Samadi. S. Z., and Wilson C., 2012. Causes and consequences of recent floods in the Golestan catchments and Caspian Sea regions of Iran. Natural Hazards. Volume 61, Issue 2, pp 533-550.